

قضیه بیخ پیدا کرد ...

گاهی به آسمان – اگر شد – نگاه کن



● محمداقراچان سلام.

من پوریا. شما شهرداری، من روزنامه‌نگار. ما با هم در ارتباطیم؛ یعنی من ۱۲ سال است که هرروز شما را یاد می‌کنم. چه زمان‌هایی؟ آها... صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شوم و می‌خواهم بروم پارک بدموم می‌بینم که نزدیک‌ترین پارک به‌دردبخور – هرجای تهران که باشم – با من نیم‌ساعت فاصله دارد. برای همین از شما یاد می‌کنم. بعد که می‌خواهم بروم سر کار تصمیم می‌گیرم پیاده‌روی کنم. اما چون پیاده‌رویی وجود ندارد مجبور می‌شوم مثل پتمن روی در و دیوار و کاپوت ماشین‌ها بپریم و پیش بروم. درست وقتی که از لای دوتا کلکیر ماشین دارم خودم را رد می‌کنم و بکھو می‌بینم زیر پام یک چاله با عمق شش متر وجود دارد. دقیقاً همان‌موقع که یک پام این‌ور چاله شغف‌داری است و یک پام آن‌ور چاله و صدای قرح شکافتن درز شلوارم را می‌شنوم. از شما یاد می‌کنم. اینها هیچی، وقتی سوار مترو می‌شوم و به دلیل کمبود واکن و زیادبودن جمعیت با دوروبری‌هام احساس تنگی جا و نفس می‌کنم. از شما یاد می‌کنم. راستش وقتی توی پل صدر؛ چه طبقه اولش، چه طبقه دومش، چه طبقه پانزدهمش توی ترافیک دوساعت گیر کردم و دارم می‌ترکم و به هزینه ساخت این‌ پل مفید فکر می‌کنم. از شما یاد می‌کنم. وقتی توی تونل توحید، توی ترافیک دارم به دیوار نگاه می‌کنم از شما یاد می‌کنم. شب‌ها وقتی آشغال‌ها را مأموران زحمتکش نصفش را کف خیابان جا می‌گذارند از شما یاد می‌کنم. حتی وقتی بکھو می‌بینم چند نفر دارند به زیبایی دست‌فروش‌ها را از سر راه جمع می‌کنند و می‌ریزند توی نیسان شهرداری از شما یاد می‌کنم. با دیدن آسمان زیبای تهران در عکس‌های قدیمی از شما یاد می‌کنم و وقتی می‌بینم که ما توانسته‌ایم درخت‌ها را از سر راه برداریم و راه را برای ماشین‌ها باز کنیم با خوشحالی خارج‌ازوصفی از شما یاد می‌کنم. وقتی می‌بینم کوه را مثل انسان‌های غارنشین توانسته‌ایم سوراخ کنیم و مجتمع بسازیم و باعث زیبایی شهر و اصلاح اضافات کوه بشویم با غرور از شما یاد می‌کنم. من هربار که باران می‌آید و خیابان‌ها رودخانه می‌شوند و می‌بینم اولین‌بار برای اینکه داشتیم در خیابان غرق می‌شدم رقتم ش‌نا یاد گرفته‌ام، از شما و از شما یاد می‌کنم. هربار می‌بینم یک خانه بلااستفاده قدیمی بعد از مدت‌ها در شمال شهر چراغش روشن شده و یک کارگر زحمتکش شهرداری از ملک چندصدمتری با رضایت‌خاطر بیرون می‌آید، از شما یاد می‌کنم. اصلاً اینها که چیزی نیست، وقتی می‌بینم شما از فیس‌بوک و توئیتر چون فیلتر است استفاده نمی‌کنی و استاتوس‌ها‌ت را روی بیلبوردها و پل‌های عابر پیاده می‌نویسی، از این خلاقت و فیلمندگی کیف می‌کنم و از شما یاد می‌کنم.

من واقعا فن شما هستم. می‌گویند تیمور لنگ وقتی در نیردی شکست خورده و ناامیانه در خرابه‌ای پنهان شده بود، می‌بیند که مورچه‌ای دانه کندمی را به دهان گرفته و می‌خواهد از دیواری بالا برود، اما هربار به زمین می‌افتد. مورچه اما دست از تلاش برنمی‌دارد و بعد از ۴۰ بار موفق می‌شود بار سنگین را به بالای دیوار ببرد. می‌گویند تیمور لنگ با دیدن این صحنه متأثر می‌شود و برمی‌گردد و به میان نبرد می‌رود و جنگ را پیروز می‌شود. حالا راستش من هم مثل او، هربار که شما کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌شوی و از شکست سنگین دچار یأس و افسردگی نمی‌شوی و بار دیگر در انتخابات شرکت می‌کنی، واقعا از ته دل کیف می‌کنم و از شما درس می‌گیرم. آقرین بر این هست.

محمداقراچان شاید فکر کنی من آدم مسخرهای هستم و مثل حرفی که به رئیس‌جمهور در مناظره زدی، اهل «کالت‌کاری» هستم. نه واقعا. من واقعا فن شما هستم. به نظرم مدیر توانمندی هستی و توانسته‌ای ۱۲ سال شهردار پایتخت ایران باشی. راستش تنها نکته من این است که توی مناظره‌ها یک‌طوری دولت روحانی را می‌گویی که من جلوس رفاقم که مهاجرت کرده‌اند شرمند می‌شوم. چون من تا دیروز می‌گفتم ایران گلوبلبل و همه‌چیز اوکی است و ما داریم به جلو حرکت می‌کنیم. راستش این‌طوری که شما توی مناظره، کشور را شستی و گذاشتی کنار، من دیگر حرفی برای گفتن ندارم و نمی‌دانم دقیقاً از چی داشتیم دفاع می‌کردم. خلاصه خواستم بگویم دوتا رای بیشتر ارزش ندارد، این دعوای تمام می‌شود، یا اسم شما از صندوق درمی‌آید یا یکی دیگر. فرداش چی؟ با این حجج افسردگی و دلسردی‌ای که در مردم ایجاد کردی چه می‌کنی؟

محمداقراچان بعد از حرف‌هایی که در مناظره‌ها زدی، دلم خیلی گرفت و آه کشیدم و خواستم سرم را بلند کنم و به آسمان نگاه کنم و کمی برای خودم و خود دعا کنم. دیدم متأسفانه این برج‌ها در کوچه‌های شش‌متری، آسمان را از ما گرفته‌اند و راه دعا بسته است. چه‌کار کنیم محمداقراچان؟ من مرده، شما زنده، اگر وقت می‌شود قبل از مناظره گاهی به آسمان نگاه کن.

قربانت؛ هم‌وطن شما، پوریا

شرق روزنامه

یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ • ۱۷ شعبان ۱۴۳۸ • ۱۴ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۶۳ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۲ • اذان صبح‌فردا ۴:۲۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

روزنفر



یادداشت

این زندگی ماست



مرضیه رسولی

هر دوره انتخابات یکی از پرتعدادترین سؤا‌ل‌هایی که می‌شنوم این است: «حالا این چهارسال هم گذشت و رأی دادیم، بعدش چی؟» آن‌قدر حرارت این روزهای انتخابات زیاد است که از سؤا‌ل به این مهمی می‌گذرم و پاسخ‌ی سرسری به آن می‌دهم. با خودم قرار گذاشته‌ام این‌دفعه برای تشویق کسی به رأی‌دادن به نامزد موردنظرم، از روش همیشگی فاصله بگیرم: از آوردن استدلال برای دیگران که انتخاب بین مرگ و زندگی/ بد و بدتر است. از به‌وحشت‌انداختنشان که اگر کاندیدای ما رأی نیاورد از فردای انتخابات تاریکی شروع می‌شود، زندگی‌مان به خاک می‌شیند و خیلی از چیزهایی که با بودنشان امنیت، از بین می‌رود و تبدیل به آرزویی دور می‌شود.

خدا می‌داند چقدر این‌رویه که دست‌از سرش برنمی‌داریم در بلندمدت حال همه‌مان را بد کرده، بی‌تکیه‌گاه‌مان کرده، ترس‌خورده و بی‌آینده‌مان کرده. فضای آخرالزمانی می‌سازیم که شرایط برای کوتاه‌مدت بحرانی‌شود و از بحران استفاده کنیم و با عذاب‌وجدان‌دادن، با گذاشتن بار مسئولیت یک کشور فقط به دوش یک رأی، با ترساندن و هشدارهای پیاپی دیگران را به پای صندوق بکشیم. یکهو به همه‌چیز نگاه یک‌بارمصرف پیدا می‌کنیم، فکر نمی‌کنیم و انگار برایمان اهمیت ندارد که دست در دست کاندیدها آنچه برای بحرانی‌کردنش تلاش می‌کنیم، بزرگ‌ترین سرمایه یک کشور یعنی امنیت و اعتماد مردم است. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین خیانت هرکس به کشورش (هرچند ناخواسته)، ارائه تصویری دروغ و حتی اغراق‌شده برای ازبین‌بردن اعتماد مردم برای زندگی در آن کشور است. بی‌اعتمادی مردم فقط محدود به دولت‌ها نمی‌ماند، به تک‌تک مناسبات و آدم‌ها تسری پیدا می‌کند و هویت و ماهیت همه‌چیز را تغییر می‌دهد. بی‌اعتمادی، بی‌انگیزه و دل‌سرد می‌کند و فردایی باقی نمی‌گذارد. چرا سراغش می‌رویم؟ چون می‌خواهیم برای مجاب‌کردن آدم‌ها با سلاح ترس پیش برویم که آسان‌ترین راه است و در کمترین زمان

شرق؛ درحالی‌که کمتر از یک هفته به برگزاری انتخابات دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری مانده است، تعداد گروه‌ها و شخصیت‌هایی که از حسن روحانی به‌عنوان بهترین انتخاب برای مسند ریاست‌جمهوری حمایت می‌کنند، افزایش یافته است. پس از حمایت پنج هزارنفری اهالی فرهنگ و هنر و قلم، حمایت پژوهشگران در خارج از کشور و... حال نوبت پزشکان و دستیاران مغز و اعصاب ایران رسیده که حمایت خود را اعلام کنند. تاکنون بیش از ۲۵۰ نفر بیانیه حمایت را امضا کردند و این روند ادامه دارد. آنان دلیل این حمایت را استقلال دانشگاه‌ها و ادامه طرح تحول سلامت و... عنوان کردند. در این بیانیه آمده است:

شرکت آگاهانه دانشگاهیان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در انتخابات ریاست‌جمهوری، نشانه احساس تعهد آنان در قبال جامعه و نقشی است که به‌عنوان نخبگان در قبال تاریخ، فرهنگ و توسعه

تانتخابات

انتخاب روحانی؛ تداوم اصلاحات



ستاره اسکندری

● انتخاب آقای روحانی برای من، انتخاب دولتی است که ادامه‌دهنده راه دولت اصلاحات باشد. ترجیح می‌دهم راه اصلاحات در کشورم ادامه پیدا کند و به‌همین‌دلیل، دولت آقای روحانی (و البته شخص آقای جهانگیری) در میان کاندیداهای دیگر این انتخابات، گزینه‌ای قابل‌پذیرش برای چنین تصمیمی خواهد بود. امتداد راه اصلاحات در چهار سال اخیر، سبب اتفاقات بزرگی در حوزه روابط بین‌المللی ایران شده و اگرچه در دو‌مناظره اخیر این دستاوردها درخت‌ها را کف گرفته شد؛ اما مردم ایران می‌دانند که در دولت تدبیر و امید شاهد چه پیشرفت‌هایی در ارتباطیافتن با جهان و خروج از انزوا بودیم. مهار تورم و کنترل و بهبود مسائل و مشکلات اقتصادی یکی دیگر از گام‌های ارزشمند این دولت بوده که امیدوارم در چهار سال آینده نیز تداوم یابد. این‌همه نکته مهم این است که منش اصلاح‌طلبانه دولت به مردم کمک کرده است که شاهد این تغییرات با حرکتی آرام و تدریجی باشند. شاید گروهی به‌دنبال دگرگونی‌های قاطعانه و ضربتی باشند؛ اما به نظر من و بسیاری دیگر که خود را به جریان اصلاح‌طلب نزدیک می‌بینند، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و حرکت در مسیر تغییرات آرام و تدریجی، راه خروج کشور از بحران‌های داخلی و خارجی بوده و هست. از همین دریچه، برخی از اظهارات مطرح‌شده در مناظره‌های اخیر را بیسنجیدم، برخی از کاندیداهای شرکت‌کننده در این دو مناظره، به روی مبارک نیاوردند که این کشور تاریخی دارد و برای رساندن آن به این مقطع زمانی، چهره‌های مختلف زحمت کشیده‌اند. سکوت و بی‌توجهی آنها به این چهره‌های اصلاح‌طلب در حالی بود که مردم عملکرد و تأثیرات منش آنها را در این سال‌ها درک کرده‌اند. نکته دیگری که به‌مناظره‌ها آزارم داد این بود که احساس نکردم نامزدی برای من می‌باشد، بلکه آن‌قدر وعده‌های پوشالی و رفتارهای شعارزده دیدم و شنیدم که باید اعتراف کنم برخی از کاندیدها، فقط برای به‌دست‌آوردن این کرسی آمده‌اند نه برای نزدیکی و همدلی بیشتر با عموم مردم؛ بنابراین جدیت و تلاش من برای اعلام رأی‌ام در انتخابات با تأثیرات منفی مناظره آغاز شد و حالا می‌خواهم این اجازه را به دولت آقای روحانی بدهم که بذریه‌ای که در این چهار سال کاشته‌اند به بار بنشیند و مردم از حاصل دسترنج دولت در مجامع جهانی و داخلی بهره‌برند. از یاد نمی‌برم که دولت آقای روحانی از معدود دولت‌هایی هستند که به شهروندان خود اجازه پرسشگری می‌دهند؛ طرح مطالبات معدن‌چیان استان گلستان، نشست‌ها و هم‌اندیشی‌هایی که در این چهار سال با گروه‌های مختلف فعال در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری و... برگزار شده و پیگیری مطالبات زنان از طریق معاونت ایشان فقط بخشی از بازتاب حق پرسشگری شهروندان است که در این دولت محفوظ مانده است.

کشور دارند. نشانه نگرانی آنها از روندهای ناصواب و نامعقول پیشین، امید و باور آنها به‌روش‌های خردمندانه متکی به آزمون و شواهد و تجربه در عرصه اداره کشور است. بدین‌وسیله ما جمعی از پزشکان و دستیاران مغز و اعصاب ایران که در عرصه سلامت کشور به امر آموزش، پژوهش و درمان مشغول هستیم، ضمن دعوت از تمامی ملت ایران، برای استمرار روندی که از چهار سال پیش در عرصه مدیریت کشور صورت گرفته، اعلام می‌کنیم؛ جهت تأیید دوباره این‌ر روند و بهبود کیفیت و ارتقای روش‌های فعلی و اعتلای نام ایران، برای بار دوم به جناب آقای دکتر «روحانی» رای می‌دهیم و از او در مقام ریاست‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی انتظار داریم هرچه بیشتر به روند خوداتکایی و خودگردانی دانشگاه‌ها و استقلال آکادمیک آنها اهتمام ورزند. ما معتقدیم در عرصه سلامت، بسیاری

حمایت

حمایت بیش از ۲۵۰ متخصص مغز و اعصاب از «روحانی»

از اقدامات دولت در زمینه فراهم‌کردن دسترسی آسان و کم‌هزینه مردم به خدمات سلامت ارزشمند است، اما ما انتظار داریم که طرح تحول سلامت همراه با ضمیمه نظام ار جاع و سطح‌بندی خدمات باشد تا امکان افزایش کیفیت خدمات و کاهش هزینه‌های غیرضروری عمومی هم فراهم شود. ما امضاکنندگان زیر اطمینان داریم که دولت آقای «روحانی» در راستای اعتلاء و سربلندی نام ایران از تدبیر و توان لازم برای اداره کشور و از سعه‌صدر کافی برای شنیدن نظرات کارشناسان و متخصصین و مشاوره‌گرفتن از آنها در حل مشکلات و رفع گام‌به‌گام آنها برخوردار است. در شرایط امروز، ما راه سرافرازی ملک و میهن را در رای دوباره به او و اعضای کابینه‌اش می‌دانیم.

«اسامی حامیان از ریاست‌جمهوری حسن روحانی که این بیانیه را امضا کرده‌اند در دفتر روزنامه «شرق» موجود است.

رودردرو

مسجدجامعی به ادعای املاک نجومی به رفتگران واکنش نشان داد

این ادعا، طنز تلخ انتخاباتی است

بی‌انضباطی در ذات همین بذل و بخشش‌ها هستیم. بسیاری از مدیران شهری از این موضوع کله‌م‌ن‌ند و می‌گویند این آقا چه سابقه و تجربه‌ای بیشتر از من داشته که توانسته مشمول این بذل و بخشش شود و من نشده‌ام. شما نمی‌دانید مدیران شهری چقدر از این ماجرای املاک نجومی ناراضی‌اند، به دلیل همین تبعیض‌ها.



❧ از عدم انتفاع از چنین فرصتی ناراضی هستند؟ واقعیت این است که این بذل و بخشش‌ها منجر به افزایش پایگاه و محبوبیت کسانی که دست به این کارها زده‌اند، نشده، چرا از این دست بذل و بخشش‌ها در شهرداری بسیار وجود دارد. در همین انتخابات پیشین هم می‌گفتند اگر کسانی که در شهرداری بوده‌اند به همراه خانواده‌ها و نزدیکانشان در انتخابات مشارکت جدی می‌داشتند، وضع نامردم‌هایی که مورد حمایت شهردار بودند، بهتر از این می‌شد و ما چرا شاهد چنین موضوعاتی در اداره تهران هستیم؟ چون وقتی نظم و انضباط در اداره شهر نباشد، جای هیچ‌گونه نظارتی هم باقی نمی‌ماند.

❧ در پرورنده املاک نجومی، شورای شهر چه کرد؟ این موضوع هم جالب است. مسئله به مجلس، قوه قضائیه و حتی دولت گزارش شد اما به شورای شهر هیچ گزارشی ارائه نشد. شورایی که منشأ قدرت و مشروعیت شهرداری است، هیچ گزارشی دریافت نکرد. شورایی که شهرداری براساس مصوباتش در شهر فعالیت می‌کند، از این گزارش بی‌بهره بود. حتی آقای توکلی در مرکز پژوهش‌های مجلس هم گزارش را دریافت کردند اما گزارشی به دست ما نرسید. باید از شهرداری پرسید که آیا به شورای شهر به اندازه آن نهاد اطمینان ندارند؟ به نظر می‌رسد سلسله‌مراتب در اداره شهر نادیده گرفته شده است. درحالی‌که رعایت انضباط در اداره شهر، یعنی شهرداری مطیع و قوه اجرائی ششورا؛ اما به این موضوع هیچ توجهی نشد. شاید به‌همین‌خاطر است که در انتخاب شهردار بعدی باید دقت بیشتری صورت بگیرد. شهر تهران نیازمند فردی است که عمل او مبنای نظری و فکری داشته باشد. اینکه ما زیاد کار کنیم خوب است اما اگر این فعالیت‌ها، بر پایه یک نظریه و با نظم و انضباط انجام نشود، چنین نتایجی دربر خواهد داشت.

❧ امروز چطور؟

امروز؟ واقعیتش این است که امروز در اداره شهر تهران هیچ نظریه‌ای رعایت نمی‌شود. ما نه نظامی برای شهرسازی داریم و نه برنامه‌ریزی. برای همین است که ته یک کوچه تنگ و باریک مجوز ساخت برج مسکونی داده می‌شود. آن چیزی که در این شهر از آن غفلت شده، همین مفهوم نظریه است؛ نظریه وجود دارد اما شهرداری به آن بی‌توجهی می‌کند و در نتیجه شهروندان با شهری پر از هرج‌ومرج و بی‌نظمی مواجه‌اند. شاید در چنین شرایطی برای رسانه‌ها جالب باشد که کسی بیاید و بگوید املاک نجومی را درباره اقتصاد به‌عنوان اولویت اول و... جزء مباحث این بخش است. خاطرات بهم‌ن بازگان، گفت‌وگو با میرعماد موسوی درباره فرزندان ترکیه، گفت‌وگو با سعید مدنی درباره این سؤال که «آیا اعدام پایان کار است؟» می‌تواند به دغدغه‌های سیاست خارجی و اجتماعی خوانندگان نیز پاسخ دهد. مدیرمسئول این نشریه لطف‌الله میثمی است.

این شماره لطف‌الله میثمی این سؤال را مطرح کرده است که آیا با قانون اساسی ایران می‌توان به راهبرد و توسعه‌پایدار رسید؟ در بخشی از پاسخ به این سؤال مهم بر اینکه انتخابات فرصتی متفاوت از کشورهای منطقه مثل عربستان و امارات در اختیارمان قرار دارد، تأکید شده است در ضمن اشاره به فعالیت‌های روبه جلوی دولت روحانی نیز شده است. اما در این شماره مطالبی درباره عزت‌الله سبحانی و هدی صابر، منش رفتاری آنها و چگونگی روند زندگی‌شان نیز به چاپ رسیده است. گفت‌وگو با علیرضا رجایی و سعید مدنی از مطالبی است که در این مجموعه آمده است. اما در بخش چشم‌انداز سیاست داخلی بی‌تردید انتخابات موضوع اساسی این شماره محسوب می‌شود و دلایل

● شماره ۱-۳ ماهنامه چشم‌انداز ایران این بار نیز با مطالبی متفاوت منتشر شد. شاید بتوان گفت خوانندگان این نشریه می‌توانند با مطالعه این شماره به‌ویژه در روزهای نزدیک به انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست‌جمهوری و شورا‌های شهری یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های خود را بگیرند. گفت‌وگو با سعید حجاریان، مصطفی تاجزاده، حسین انصاری‌راد و... تنها بخشی از مطالب مهم و تحلیلی این شماره است. حجاریان به انتخابات مهم ششوراها پرداخته است. در



پیشنهاد

شرکت در انتخابات برشمرده شده است. گفت‌وگو با سعید لیلار درباره انتخابات ۹۶ و تولید و اشتغال و گفت‌وگو با تاجزاده، جواد طاعت، حسین انصاری راد و علی یونس‌ی جزء مطالب تحلیلی این بخش است و مجموعه‌ای از موضوعات متفاوت از جمله آشتی دیانت و ملیت، احراز صلاحیت یا احراز شرایط و... سؤال درباره اقتصاد به‌عنوان اولویت اول و... جزء مباحث این بخش است. خاطرات بهم‌ن بازگان، گفت‌وگو با میرعماد موسوی درباره فرزندان ترکیه، گفت‌وگو با سعید مدنی درباره این سؤال که «آیا اعدام پایان کار است؟» می‌تواند به دغدغه‌های سیاست خارجی و اجتماعی خوانندگان نیز پاسخ دهد. مدیرمسئول این نشریه لطف‌الله میثمی است.